

ترجمة الفتوح

* * *

نستعيلق ۲۲ سطری ۹/۵×۱۶/۵ ، دارای ۵۷۲
صفحه ۱۶×۲۴ ، بخط محمد کاظم بن احمد طه کاظمی در
۱۱۰۹ هـ عنوان شنگرف ، کاغذ سپاهانی ، جلد تیماج
مشکی فرسوده قطع وزیری، نسخه مقابله شده در هاشم
صفحه آخر آمده : «قبول بنسخة سقيمة و صحح
حسبما تيسر والحمد لله اولاً و آخراً» .

اصل از ابو محمد احمد بن محمد علی اعثم کوفی^۱ ، یا محمد بن علی^۲ ... مورخ
اخباری که برخی او را پیرو مذهب شیعه وعده ای ویرا جزو عامه بحساب آورده اند^۳
و بسال ۳۱۴ هـ در گذشته از خصوصیات زندگانی او چیزی در دست نیست ، از
تالیفات او دو کتاب ذیل را میتوان نام برد یکی الفتوح یا تاریخ الفتوح ، کتاب مورد
بحث ما است ، که حاوی وقایع صدر اسلام تا زمان هارون الرشید متوفی ۱۹۳ هـ
و از منابع کتاب بحار الانوار مجلسی بوده است^۴ و دیگری تاریخ که به تاریخ اعثم
کوفی معروف است و شامل حوادث زمان مأمون عباسی متوفی ۲۱۸ هـ تا روزگار
هیجدهمین خلیفه عباسی المقتدر بالله ۲۹۵-۳۵۰ هـ می باشد، صاحب معجم الادباء
احتمال داده که این کتاب مستقلاً نیست بلکه ممکن است ذیل کتاب اولی باشد^۵
نامبرده خود هر دو کتاب را دیده . مرحوم دهخدا احتمال داده که اصل عربی آن از میان
رفته^۶ ، لکن نسختی از آن در هند موجود است و بسال ۱۳۸۸=۱۹۶۸ بخش اول
آن در حیدرآباد دکن بچاپ رسیده . در هر حال کتاب الفتوح را یکی از وزرای

خوارزمشاهیان مؤیدالملک قوام‌الدین وزیر که در سال ۵۹۶ هـ در تایباد خراسان بود به منشی و شاعر معروف آن زمان رضی‌الدین سیدالکتاب امیرالشعراء محمد بن احمد بن ابی‌بکر بن احمد مستوفی زاوی ملقب بر رضی‌الکاتب دستور داده است به فارسی ترجمه کند، و چون قسمتی را از آن ترجمه کرد، مرگ او را در سیده و ناتمام مانده است، و پس از مرگ او بفرمان همان وزیر محمد بن احمد بن ابی‌بکر مابین نبادی ترجمه آنرا بپایان رسانیده^۸، گویا اونیز نتوانسته این کار را بانجام برساند، زیرا آنچه ازین ترجمه موجود است و در بمبئی بسال ۱۳۰۰ قمری بچاپ رسیده از آغاز رحلت پیامبر اکرم (ص) است و تاریخ خلفاء راشدین تا روزگار حضرت امام حسین (ع) و شهادت آنحضرت تا رجوع اهل بیت آن بزرگوار بمدینه طیبه و اگر هم ترجمه رابه پایان رسانده، تنه آن در دست نیست و نایافته است. گرچه یاقوت روایات ابن‌اعثم راضعیف شمرده^۹، لکن عده‌ای از مورخین از اثر نامبرده استفاده کرده‌اند^{۱۰}.

ترجمه الفتوح بزبان اردو نیز ترجمه شده و در هند بطبع رسیده و بنام «تاریخ اعثم» موسوم است^{۱۱}، و ترجمه آلمانی آن در موزه آسیائی موجود می‌باشد^{۱۲}. در فهرستها از ترجمه فارسی الفتوح با آنچه اشاره گردید یاد شده و ماتاکنون به دو تحریر دیگر دست یافته‌ایم که انشاء فارسی آنها بایکدیگر مفایر است، یکی نسخه دانشکده ادبیات مشهد تحت شماره ۸۳ که حاوی وقایع خلافت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام است تا ذکر آوردن اهل بیت امیرالمؤمنین حسین (ع) را بنزدیک عبیدالله زیاد.

این نسخه بخط نستعلیق ۲۲ سطری ۵/۲۲×۱۱/۵ می‌باشد، دارای ۲۱۶ گ ۱۸×۲۹/۵، دریک صفحه باخر مانده میان سطور متن چنین نوشته شده، «این کتاب از مال خالص ... حاج محمد عظیم ولد ... حاج یعقوب تاجر در تاریخ شعبان ۱۱۲۸ هـ» کاتب مالک آنست، عنوان شنگرف، کاغذ سپاهانی، جلد تیماج تریاکی و صالی شده.

آغاز: بسمله چون عثمان را بکشتند مردمان پیایی بخدمت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام.

انجام : گفتند یا امیر دستور فرمای تا کلمه چند بگویید باشد که از او

چیزی .

دیگری نسخه دانشکده الهیات مشهد که خصوصیات آن در آغاز این بحث آمد.

نثر این ترجمه از نگاشته احمد بن محمد مستوفی شیواتر و روان تر است مترجم

آن احمد بن یحیی المرشدی ملقب به عزالدین الکاذرونی است که بدستور امیر مبارزالدین عبدالرحمن آنرا پرداخته و بنام «ترجمة الفتوح» نامیده .

اگر این امیر مبارزالدین عبدالرحمن همان معزالدین عبدالرحمن برادر مظفر

الدین محمد بن مبارز و پسر قطب الدین مبارز باشد که از اعلام سده هفتم هجری

خواهد بود و این ترجمه نیز با ترجمه هروی تقریباً همعصر خواهد بود ، زیرا قطب

الدین مبارز که از ملوک شبانکاره بود بسال ۶۲۴ هـ در گذشته و تخت حکومت را

بفرزند خود مظفرالدین محمد بن مبارز سپرد و برادرش معزالدین عبدالرحمن

صندوق پدر را بخوشناباد برد و چون مراجعت کرد مظفرالدین او را در قلعه نگذاشت.

معزالدین عبدالرحمن به اتابك ابوبکر بن سعد بن زنگی ملتجی شد^{۱۳} و از طرف اتابك

ابوبکر مورد احترام قرار گرفت و اتابك دختر خود را بوی داد و در خدمت او بود تا

وفات یافت^{۱۴} .

ترجمه حاضر به متن عربی نزدیکتر است و اکثر عناوین آن مطابق عنوانهای

اصل است ، برخلاف ترجمه ای که وسیله مستوفی هروی صورت پذیرفته مثلاً برای

نمونه در صفحه ۲۵ متن عربی چنین آمده :

ذكر سجاح بنت الحارث التميمية لما زوجت نفسها من مسلمية

قال : وظهر امر مسلمية باليمامة وانتشر ذكره في الناس ، وسمعت به سجاح

بنت الحارث التميمية وقد كانت ادعت النبوة وتبعها رجال من قومها غيلان بن خرشة

والحارث بن الأهمم وجماعة من بني تميم . قال : وكان لها مؤذن يؤذن بها ويقول :

اشهد ان سجاح نبيه الله . قال : فسارت سجاح هذه الى مسلمية الكذاب سلمت عليه

بالنبوة وقالت : انه بلغني امرك وسمعت بنبوتك وقد اقبلت اليك واحببت ان اتزوج

بك ، ولكن اخبرني ما الذي انزل اليك من ربك ؟ فقال مسلمية : انزل علي من ربي :

لا اقسم بهذا البلد ، ولا تبرح هذا البلد ، حتى تكون ذامال وولد ، ووفرو صغد ،

وخیل و عدد، الی آخر الابد علی رغم من حسد.

ترجمه مستوفی هروی ص ۱۰ عنوان

فوق را ندارد و چنین آمده :

در ترجمه ما ص ۴۰ چنین آمده :

وازدیگر جانب سجاح دختر منذر تمیمی دعوت نبوة آغاز کرد و ملت بیرون آورده چون شنید که بزمین یمامه مسیلمه دعوی نبوت میکند و مرد مرا دعوت می نماید باجماعتی انبوه از ملت خویش برخاست و از قبیله خویش روی بیدار یمامه آورد و او را مؤذنی بود که در اثناء بانك نماز گفتی اشهدان سجاحاً نبی الله چون نزدیک مسیلمه رسید و میان ایشان اتفاق ملاقات افتاد بر پیغمبری مسیلمه سلام کرد و گفت اوصاف حمیده تو شنیدم و ترا برگزیدم آمده ام تا بحکم تو شوم تازن و شوهر هر دو پیغمبر باشم و باتفاق یکدیگر عالم را مطیع و منقاد گردانیم اکنون مرا خبر ده از وحی که بتو میرسد و قرآنی که بتو فرودمی آید مسیلمه گفت يك سوره از آنچه بر من منزل شده اینست : لا اقسام بهذا البلد لا تبرح هذا البلد حتی تكون ذامال فی ولد و فرد و سفر و خیل و عدد علی رغم من حسد .

دعوت نبوت میکند و مرد مرا دعوت می نماید باجماعتی انبوه از ملت خویش برخاست و از قبیله خویش روی بیدار یمامه آورد و او را مؤذنی بود که در اثناء بانك نماز گفتی اشهدان سجاحاً نبی الله چون نزدیک مسیلمه رسید و میان ایشان اتفاق ملاقات افتاد بر پیغمبری مسیلمه سلام کرد و گفت اوصاف حمیده تو شنیدم و ترا برگزیدم آمده ام تا بحکم تو شوم تازن و شوهر هر دو پیغمبر باشم و باتفاق یکدیگر عالم را مطیع و منقاد گردانیم اکنون مرا خبر ده از وحی که بتو میرسد و قرآنی که بتو فرودمی آید مسیلمه گفت يك سوره از آنچه بر من منزل شده اینست : لا اقسام بهذا البلد لا تبرح هذا البلد حتی تكون ذامال فی ولد و فرد و سفر و خیل و عدد علی رغم من حسد .

* * *

چون امر مسیلمه در یمامه ظاهر و ذکر او در میان مردم منتشر و مشتهر شد و خبر او بسجاح دختر منذر رسید و او نیز دعوی نبوت کرده بود جمعی از قومش مثل غیلان بن حرشه و حارث بن الاهتم که پیرو او شده بودند و او را مؤذنی بود که در بانك و اذان میگفت اشهدان سجاح نبوة الله پس سجاح برخاست و پیش مسیلمه رفت و نبوت او را مسلم داشت و گفت امر تو بمن رسیده و نبوت ترا شنفته ام و پیش تو آمده ام که خود را بزنی بتوبدهم ولیکن مرا خبر ده که چه از پروردگار تو بتو فرود آمده مسیلمه کذاب گفت این بمن فرود آمده که : لا اقسام بهذا البلد ولا تبرح لهذا البلد حتی تكون ذامال و ولد و وفرو صفد و خیل و عدد الی آخر الابد علی رغم من حسد .

ترجمه مورد بحث در ضبط اعلام و ذکر اشعار از نسخه مطبوع کاملتر است ،
این ترجمه حاوی وقایع بعد از رحلت پیغمبر اکرم (ص) است تا آخر جنگ صفین در
چهار باب .

آغاز : بسمله حمد بیدحد و سپاس بی قیاس و عدکه دیباچه محامد
مسبحان ملاء اعلی و ... [بعد از یک صفحه] اما بعد بر رأی وزین عقلاء زمان
و فکر دوربین فضلاء جهان بیض الله تعالی جباه جلالهم ... [بعد از یک صفحه]
رأی فضل آرای افاضل نواز فضایل طرار حضرت صاحب دولت امیر اعظم
روشن ضمیر ثاقب فکر صائب تدبیر ، مدبر امور دولت غرا ، مقرر رسوم
دولت زهر الهوید من السماء ، المسمى باحب الاسماء المتوجه بجنانه الى
تعرف الاحادیث والاخبار ، المتقرب الى الله باحیاء مراسم سیدالابرار ،
المستغنی عن الاطناب فی البیان لعلو المناقب و سمو المراتب والمكان ،
الامیر مبارز الدولة والدین عبدالرحمن خلد الله تعالی ظلالة و حرس
من النقص کماله چنان اقتضانمود که تراجمه سیرت خلفاء راشدین ، خلفاء
راهدین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین از کتب سیر عربی بلفظ فارسی در
حیز تعبیر ... تا طوایف فارسی خوانان ... بهره مند باشند . پس بنا بر صدور
امر عالی آنحضرت ... این فقیر بنده داعی الذی هو لحقوق الاخلاق راعی ،
اقل عباد الله السرمدی ، احمد بن عبدالله بن محمد بن یحیی المرشدی ، الملقب
بعزالدین الکاذرونی ... که از جمله دعاگویان دولت و ثناخوانان آنحضرت
جنت نصر تست ، ترجمه سیرت آن چار خلیفه کامل بصیرت بعد از وفات
حضرت رسالت پناه و جناب ملایک سپاه ... تا آخر عهد خلافت آن معلیان
اعلام نصفت ... که مدت سی سال با کمال بوده از کتاب فتوح تألیف شیخ
امام برکة الانام ابن احمد بن اعثم کوفی رحمه الله ... استخراج و استنباط
نموده آنرا درین کتاب لطیف تألیف و ترصیف داد و تواریخ و وقایع و حوادث
که در آن مدت بر رشته سیه سفید لیل و نهار سمت ظهور یافته از تاریخ شیخ
الاسلام قدوة الانام امام بیت الله الحرام ابی البرکات شیخ عبدالله یافعی طاب

روحان امام نافع ثبت افتاد و این ترجمه شریفه مسمی بترجمة الفتوح
وعناصر صفت مشتمل بر چهار باب است. باب اول در ذکر خلافت امیر ملهم و
سیرت خلیفه صاحب توفیق ابی بکر صدیق باب دوم در ذکر خلافت بصواب
عمر بن الخطاب باب سیوم در ذکر خلافت جامع قرآن عثمان بن عفان باب چهارم
در خلافت اسد الله الغالب امیر المؤمنین علی ابوطالب رضی الله عنهم اجمعین
انجام: انت الامام الذی ترجوا بطاعته یوم النشور من الرحمن غفرانا
[بعد از شش بیت دیگر]

وبعلی بنت نبی الله فاطمة اکرم بهاشر فاسراً واعلنا
تمام شد حرب صفین والحمد لله رب العالمین ... وکان الفراغ من
نسخه یوم الثلاثاء تاسع وعشرين شهر رجب الاصح علی یدی ... محمد کاظم
ابن احمد طه الکاظمی ... سنه ۱۱۰۹ .

منابع و مراجع

* یاقوت الحموی ، ابو عبد الله الرومی .

۱- معجم الادباء ، تحقیق : احمد فریدر قاعی . القا ره ، ۱۹۳۸ : ۲/۲۳۰ - ۲۳۱ .

* الفندی ، محمد ثابت و دیگران .

۲- دائرة المعارف الاسلامیة . افست تهران ، ۱۹۶۶ : ۱/۹۱

* آغابزرگ تهرانی ، محمد محسن .

۳- الذریعة الی تصانیف الشیعه . النجف ، ۱۳۵۷ : ۳/۱۲۰ - ۱۲۲ .

* نفیسی ، سعید .

۴- تاریخ نظم و نثر در ایران ... تهران ، فروغی ، ۱۳۴۴ : ۱/۱۳۲ .

در لفتنامه دهخدا آ - ابوسعید ۲۹۱۰ اشتباهاً ۲۱۴ هـ آمده .

* مدرس ، محمد علی .

۵- ریحانة الادب تراجم المعروفین بالکنیة او اللقب . تبریز، ۱۳۳۲ : ۲۵۱/۵ -

• ۲۵۲

* یاقوت حموی .

۶- معجم الادباء : ۲/۲۳۱ .

* دهخدا ، علی اکبر .

۷- لغتنامه . تهران ، سازمان لغتنامه دهخدا ، ۱۳۲۵ : ۲ - ابوسعادی ۲۹۱

* نفیسی ، سعید .

۸- مقاله اول سالنامه پارس ، سال سیزدهم ، ۱۳۱۷ .

* یاقوت حموی .

۹- معجم الادباء : ۲/۲۳۱ .

* انجمن دائرة المعارف افغانستان .

۱۰- دائرة المعارف آریانا . کابل ، ۱۳۲۸ : ۴/۷۶۷ .

* آغابزرگ تهرانی .

۱۱- الذریعة ... : ۳/۲۲۲ .

* نطنزی ، معین الدین .

۱۲- منتخب التواریخ ، بتصحیح ژان اوبن . تهران ، خیام ، ۱۳۳۶ : ۴ .

* ستوده ، حسینقلی .

۱۳- تاریخ آل مظفر . تهران ، دانشگاه تهران ، ۱۳۴۷ : ۳/۳۳ .